



مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد)

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن ایران
دکتری روانشناسی سلامت، گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

کیمیا حبیب زاده ^{id}

مریم رستم نژاد* ^{id}

rhealthpsycho@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۵ پایانی ۱۹ | ۳۲۱-۳۳۳
زمستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(حبیب زاده و رستم نژاد، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

حبیب زاده، کیمیا، و رستم نژاد، مریم. (۱۴۰۲). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد). *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۵)، ۳۲۱-۳۳۳.

چکیده

هدف: مطالعه حاضر با هدف مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) انجام شد. **روش پژوهش:** روش این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود؛ جامعه آماری به حجم ۹۱ نفر که ۵۰ نفر برای گروه اول (زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر) و ۴۱ نفر برای گروه دوم (زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر) به روش دردسترس و گلوله برفی انتخاب شدند و به پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازان و شاور (۱۹۸۷) و پرسشنامه ۹۰ سوالی طرحواره یانگ (۱۹۹۰) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره و با نرم افزار SPSS تحلیل شدند. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد تفاوت معناداری بین دو گروه در مولفه سبک دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا و سبک دلبستگی اجتنابی وجود داشت ($P < 0/01$). تفاوت معناداری بین دو گروه در مؤلفه‌های محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی، انزوای اجتماعی، نقص و شرم، شکست، وابستگی، آسیب‌پذیری، بازداری هیجانی، استحقاق و خویش‌داری وجود داشت ($P < 0/05$). همچنین بین دو گروه در مولفه سبک دلبستگی ایمن و مؤلفه‌های رهاشدگی، خود گرفتار، اطاعت، ایثارگری، معیارهای سختگیرانه، جلب توجه، منفی‌گرایی و تنبیه تفاوت معناداری وجود نداشت ($P > 0/05$). **نتیجه‌گیری:** نتیجه این مطالعه نشان داد بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) تفاوت وجود دارد. نتایج این مطالعه بر اهمیت رویکردهای طرحواره‌محور و هیجان‌مدار در حل تعارضات بین فردی زوجین با فاصله سنی بالا تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، رابطه عاطفی، برتری سنی.

مقدمه

ازدواج^۱ و پیوند عاطفی^۲ میان زن و مرد، یکی از زیباترین و والاترین مناسبات بشری است که دو نفر غیرهم‌جنس، متقابلاً بوسیله نیروی مرموز غریزه و عشق، به‌همدیگر جذب شده و به‌هم متعهد می‌گردند. ازدواج تأثیر سودمندی بر سلامت فیزیکی و روانی افراد به‌جا می‌گذارد که تا حد زیادی بستگی به کیفیت زندگی زناشویی^۳ دارد (گلدمن و هاچ، ۲۰۰۰)؛ اما یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده کیفیت زندگی زناشویی، اختلاف سنی بین زن و مرد می‌باشد (آلن‌دورف و چیمیر، ۲۰۱۳). اینکه افراد در چه سنی و با چه فاصله سنی با هم ازدواج می‌کنند، تأثیر زیادی بر میزان کیفیت زندگی زناشویی (ولدخانی و همکاران، ۱۳۹۵)، رضایت زناشویی (صیادپور، ۱۳۸۱) و پیش‌بینی تعهد زوجین به رابطه (لمیلر و کریستوفر، ۲۰۰۸) خواهد گذاشت. معمولاً در ۸۵ درصد ازدواج‌ها و یا پیوندهای عاطفی، مرد برتری سنی بر زن دارد (محمودیان و راهرو زرگر، ۱۳۸۹) که این برتری سنی از ۲ سال در استرالیا، تا ۱۰ سال در گامبیا (سازمان ملل^۴، ۲۰۱۱) و یا حتی بیش از آن در جوامع مردسالار متفاوت است (کاسترلین و همکاران، ۱۹۸۶). در ایران نیز این فاصله از ۶/۶ سال در سرشماری ۱۳۴۵ به نصف آن یعنی به حدود ۳/۳ سال در سرشماری ۱۳۹۰ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). بنابراین نمی‌توان بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی، تفاوت سنی هنجار و یکسانی برای تمام جوامع پیش‌بینی نمود.

همانطور که اشاره شد بین برتری سنی مرد بر زن و پیوندهای عاطفی بین این دو رابطه وجود دارد. یکی از عوامل مؤثر بر پیوندهای عاطفی بین زوجین، سبک دلبستگی^۵ آن‌ها است. تجربه‌های دلبستگی اولیه، اطلاعاتی درباره خود و مراقبان اولیه ارائه می‌دهند که کودک آن‌ها را بصورت بازنمایی‌های ذهنی یا در قالب الگوهای فعال درونی سازمان‌دهی می‌کند (رازقی و همکاران، ۱۳۹۴). دلبستگی حاصل پژوهش‌های بالبی و یکی از گسترده‌ترین نظریه‌های حوزه تحول اجتماعی است که الگوی تعاملات صمیمانه را توصیف می‌کند (فاریاس و همکاران، ۲۰۲۰). طبق نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۸۰)، این الگوهای دلبستگی راهنمای روابط صمیمانه در گستره زندگی فرد است. هازان و شاور (۱۹۸۷) مفهوم دلبستگی بالبی را بسط داده و طبقه بندی سه‌گانه الگوهای دلبستگی اینسورث را با روابط عاشقانه در بزرگسالی پیوند داده‌اند. آنان روابط عاشقانه را تداوم فرآیند دلبستگی معرفی کرده‌اند که در آن فرد، با بزرگسالی رابطه عاطفی برقرار می‌سازد که تا حد زیادی شبیه رابطه عاطفی نوزاد با مراقب اولیه است (فالوارزنی و اوتربرینگ، ۲۰۲۱). انتخاب همسر و کیفیت رابطه بین زن و شوهر نیز تحت تأثیر نخستین خاطرات رابطه والد-فرزندی آن‌ها قرار دارد. مطابق با نظریه هازان و شاور، سه سبک دلبستگی ایمن^۶، اجتنابی^۷ و اضطرابی-دوسوگرا^۸ در بزرگسالی نیز وجود دارند و افراد با این سبک‌های دلبستگی، روابط صمیمانه و عاشقانه را به‌گونه کاملاً متفاوتی تجربه می‌کنند (سانتونا

1. marriage
2. emotional bonding
3. marital quality of life
- 4 United Nations (UN)
5. attachment styles
6. secure
7. avoidant
8. anxious-ambivalent

و همکاران، ۲۰۱۹). به همین ترتیب سبک دلبستگی می‌تواند بر فرآیند انتخاب همسر تأثیر به‌سزایی داشته باشد (فینی، ۲۰۰۵)؛ چنانکه گاهی اوقات افراد براساس تعارض‌های روانی خود، سناریوی دوران کودکی خود را تکرار می‌کنند (رازقی و همکاران، ۱۳۹۴).

بزرگسالان ایمن، راحت‌تر می‌توانند با دیگران صمیمی شوند و درحالی‌که به آن‌ها وابسته‌اند یا درحالی‌که دیگران به آن‌ها وابسته‌اند، احساس آرامش می‌کنند (مومن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱). بزرگسالان نایمن اجتنابی، در صمیمی شدن با دیگران چندان راحت نیستند، برای آن‌ها مشکل است به دیگران اعتماد کنند یا به خود اجازه دهند که به دیگران وابسته باشند (مومن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱). در روابط عاشقانه فراز و فرودهای عاطفی شدیدی دارند و اغلب حسادت عاطفی را تجربه می‌کنند (پورمحسنی کلوری، ۱۳۹۵). بزرگسالان نایمن مضطرب/دوسوگرا، درمی‌یابند که دیگران به آن اندازه که آن‌ها دوست دارند، تمایل به صمیمی شدن ندارند و غالباً نگرانند که همسرشان آن‌ها را بطور واقعی دوست نداشته باشد یا نخواهد به زندگی با آن‌ها ادامه دهد. این افراد دوست دارند بطور کامل با دیگران از نظر عاطفی درآمیزند و این امر گاهی موجب می‌شود که مردم از آن‌ها کناره‌گیری کنند (مومن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱). عشق در نگاه دلبسته‌های مضطرب/دوسوگرا، نوعی درگیری و اشتغال ذهنی است که با جذابیت جنسی و رفتاری حسادت‌آمیز همراه است و هرچند روابط نیرومند و معقولی با طرف مقابل خود دارند اما درصدد دست‌یابی به توجه و حمایت، روابطی پر از تنش و تعارض خواهند داشت. پژوهش‌ها حاکی از آنند که دلبسته‌های نایمن (اجتنابی و مضطرب) رفتار جنس مخالف را به صفات و ویژگی‌های منفی وی و فقدان عشق نسبت می‌دهند و آشفتگی عاطفی خود را پیامد رفتار جنس مخالف می‌دانند (کارنلی و بوآگ، ۲۰۱۹).

از سویی دیگر، طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۱ نیز بازنمایی‌کننده روابط بین‌فردی^۲ هستند (جانفسکی و همکاران، ۲۰۲۰). طرحواره‌ها، الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسانی هستند که عمدتاً در کودکی و براساس واقعیت یا تجربه شکل می‌گیرند و در طول زندگی، ثابت و پابرجا می‌مانند (نازحیدری و افشاری‌نیا، ۱۳۹۹). طرحواره‌ها مطابق با پنج نیاز تحولی به پنج حیطه وسیع تقسیم می‌شوند و فرض بر اینست که اگر این پنج نیاز تحولی کودک از سوی والدین ارضا نشود، تبدیل به طرحواره‌های ناسازگار در کودک می‌شوند. براساس نظر یانگ (یانگ و همکاران، ۲۰۰۶)؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۴۰۱) این پنج نیاز تحولی که ۱۸ طرحواره را در خود جای داده‌اند عبارتند از: دلبستگی ایمن به دیگران (شامل نیاز به امنیت، محبت و پذیرش)، خودگردانی- هویت و کفایت، آزادی در بیان نیازها و هیجانهای سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتن‌داری. یانگ (۲۰۰۳) معتقد است افراد موقعیتها و روابطی را برمی‌گزینند که طرحواره‌ها را تداوم بخشند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۶)؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۴۰۱). طرحواره‌ها به سبب تأثیری که بر برداشت ما از خودمان و دیگران دارند، بر نگرش‌ها و تصمیم‌گیری‌های ما در زندگی که از جمله آن‌ها انتخاب همسر و شریک عاطفی است موثر واقع می‌شوند. این پژوهش سعی دارد با تمرکز بر روابط عاطفی و یا ازدواج‌هایی که در آن‌ها مردان بسیار مسن‌تر از شریک عاطفی خود هستند، به بررسی عواملی بپردازد که احتمال می‌رود در سوق‌دهی افراد و بخصوص زنان به این نوع روابط نقش داشته باشد. در میان این عوامل، تاثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی افراد بین دو گروه از زوجین با

1. maladaptive schemas
2. interpersonal relationships

فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر (با برتری سنی مرد) و ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) مقایسه می‌شوند. بنابراین، مطالعه حاضر اسن پرسش را مطرح می‌کند که آیا بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) بود و در آن دو گروه، زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر (با برتری سنی مرد) و زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) در متغیرهای اصلی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی مورد مقایسه قرار گرفتند. در این پژوهش، دو گروه جامعه آماری زنان درگیر در روابط عاطفی که در بازه زمانی اردیبهشت ۱۴۰۰ تا شهریور ۱۴۰۱ به مراکز درمانی و روانشناسی شهر تنکابن مراجعه کرده بودند، شرکت داشتند؛ یک گروه زنانی که همسر یا شریک عاطفی آن‌ها با تفاوت سنی ۱۰ سال یا کمتر، بزرگتر از آنان بودند و گروه دیگر، زنانی که همسر یا شریک عاطفی شان با فاصله سنی ۱۵ سال یا بیشتر، بزرگتر از آنان بودند. از گروه اول یعنی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر ۵۰ نفر و از گروه دوم یعنی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر ۴۱ نفر و در مجموع ۹۱ زن انتخاب شدند.

جهت جمع‌آوری نمونه‌های پژوهش از روش نمونه‌گیری دردسترس و گلوله برفی برای انتخاب زنان درگیر در روابط عاطفی به شکل ازدواج دائم/موقت یا رابطه خارج از ازدواج استفاده شد. در انتخاب نمونه، ملاک‌هایی همچون حداقل سن ۱۸ سال، سپری شدن حداقل شش ماه از شروع رابطه عاطفی و حداقل تحصیلات سوم راهنمایی در نظر گرفته شد. با توجه به همزمانی فرآیند پژوهش با شیوع اپیدمی کرونا، جهت رعایت موازین بهداشتی، کاهش مراجعات غیرضروری و قطع زنجیره انتقال ویروس کووید ۱۹، پرسشنامه کاغذی به شکل آنلاین طراحی و برای نمونه‌های انتخاب‌شده ارسال گردید. همچنین از آنجایی که لینک پرسشنامه غالباً از طریق پیام‌رسان‌های اجتماعی همچون تلگرام یا واتس‌آپ برای داوطلبان ارسال می‌شد و نیز از آنجایی که دسترسی به شماره‌های تلفن شرکت‌کنندگان همیشه ممکن نبود، کد QR جهت اسکن کردن و ورود مستقیم به لینک پرسشنامه بدون نیاز به دراختیار گذاشتن شماره تلفن از جانب داوطلبین و برای حفظ حریم خصوصی و کاستن از مشکلات فیلترینگ پیام‌رسان‌ها، طراحی و دراختیار افراد نمونه گذاشته شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه ۹۰ سوالی طرحواره. اولین بار در سال ۱۹۹۰ توسط یانگ ساخته شد. پرسشنامه خودگزارشی طرحواره‌های ناسازگار اولیه، فرم کوتاه، دارای ۹۰ ماده است که ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را می‌سنجد. این طرحواره‌ها عبارتند از: (۱) محرومیت هیجانی، (۲) رهاشدگی/بی‌ثباتی، (۳) بی‌اعتمادی/بدرفتاری، (۴) انزوای اجتماعی/بیگانگی، (۵) نقص/شرم، (۶) شکست، (۷) وابستگی/بی‌کفایتی، (۸) آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، (۹) خود گرفتار/خویش‌نحو نیافته، (۱۰) اطاعت، (۱۱) اینثارگری، (۱۲) بازداری هیجانی، (۱۳) معیارهای سخت‌گیرانه، (۱۴) استحقاق/بزرگ‌منشی، (۱۵) خویش‌نوازی/خودانضباطی

ناکافی، ۱۶) پذیرش جویی/ جلب توجه / تاییدطلبی، ۱۷) منفی‌گرایی/ بدبینی و ۱۸) تنبیه. هر طرحواره دارای ۵ جمله است که نوع طرحواره ناسازگار اولیه را در مقیاس شش درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً در مورد من نادرست است) تا ۶ (کاملاً در مورد من درست است) اندازه می‌گیرد. دریافت نمرات بالا (۵ و ۶) نشانه پررنگ بودن طیف طرحواره بوده و چنانچه آزمودنی در هر خرده مقیاس حداقل در پاسخ به دو گویه از پنج گویه، نمرات ۵ یا ۶ اخذ کرده باشد، دارای طرحواره ناسازگار فعال می‌باشد. یانگ، نورمن و توماس (۱۹۹۵)، نمونه ۹۰ ماده‌ای پرسشنامه را بر روی حجم نمونه ۵۶۴ نفری از دانشجویان آمریکایی اعتباریابی کردند و اعتبار آن را با استفاده از روش همسانی درونی و بازآزمایی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۱ گزارش کردند. همچنین در ایران، روایی پرسشنامه فرم کوتاه ۹۰ سوالی ویرایش سوم، توسط یوسفی و همکاران (۱۳۸۷) بر روی حجم نمونه ۵۷۹ نفری بررسی شد. اعتبار پرسشنامه با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و دونیمه کردن، در کل نمونه به ترتیب (۰/۹۱ و ۰/۸۶)، در دختران (۰/۸۷ و ۰/۸۴)، و در پسران (۰/۸۴ و ۰/۸۱) بود (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۷).

۲. پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال. این پرسشنامه توسط هازان و شاور (۱۹۸۷) ساخته شد و بر این فرض تنظیم شده است که مشابهت‌هایی از سبک‌های دلبستگی کودک-مراقب را می‌توان در بزرگسالی نیز یافت. این ابزار شامل ۱۵ جمله است که سه نوع سبک دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا یا اضطرابی و ایمن را می‌سنجد. نمره‌گذاری از نوع لیکرت پنج‌درجه‌ای، از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵ انجام می‌گیرد. این پرسشنامه نمره کل ندارد و به ترتیب حداقل و حداکثر نمره برای همه خرده مقیاس‌ها ۵ و ۲۵ است. پایایی آن توسط آزمون-بازآزمون معادل ۲ پیرسون برابر ۰/۴ به دست آمده است (بالدوین و فیهر، ۱۹۹۵). در تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۳) روی یک نمونه ۱۰۰ نفری انجام گرفت، اعتبار آن توسط آزمون-بازآزمون، به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی، اجتنابی و ایمن، برابر ۰/۷۲، ۰/۵۶، و ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ نیز، ۰/۷۹ گزارش شده است. در روش بازآزمایی ضریب همبستگی بین دو آزمون ۰/۹۲ به دست آمده است (احدی، ۱۳۸۸). آلفای کرونباخ در مطالعه تاج و همکاران (۱۳۹۲) ۰/۶۸ گزارش شده است.

روش اجرا. طی مصاحبه با افراد نمونه، درمورد مشخصات پژوهش به طور کامل توضیح داده شد و رضایت آنان جهت شرکت در پرسشنامه‌های مطالعه جلب گردید؛ ضمن آنکه به افراد اطمینان داده شد با حفظ محرمانه بودن هویت آن‌ها، در صورتی که در هر زمان از فرآیند پاسخ‌دهی از ادامه آن منصرف شدند، می‌توانند به همکاری خود خاتمه دهند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل واریانس چندمتغیره یا مانوآ و با نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها

تعداد ۹۱ زن در این پژوهش شرکت داشتند؛ گروه اول ۵۰ نفر (زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر) و گروه دوم ۴۱ نفر (زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر). در هر دو گروه شرکت‌کننده بیشترین رتبه تولد مربوط به فرزندان وسط خانواده بود. در گروه اول بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس با ۴۲ درصد و در گروه دوم بیشترین فراوانی در گروه تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس با ۴۴ درصد بود. در گروه اول سطح درآمد متوسط با ۶۴ درصد و در گروه دوم سطح درآمد خوب با ۵۱ درصد بیشترین فراوانی را داشت. در گروه اول بیشترین فراوانی شغل با

۵۰ درصد مربوط به زنان کارمند و در گروه دوم بیشترین فراوانی مربوط به گروه زنان خانه دار با ۵۶ درصد فراوانی بود. در گروه اول با ۷۸ درصد بیشترین فراوانی نوع رابطه عاطفی مربوط به گروه ازدواج موقت و در گروه دوم با ۴۹ درصد فراوانی گروه مربوط به ازدواج دائم بود. در گروه اول بیشترین فراوانی سن شروع رابطه عاطفی در گروه ۱۸ تا ۳۰ سال با ۵۴ درصد و در گروه دوم، بالای ۳۰ سال با ۵۸ درصد بیشترین فراوانی را داشت. در گروه اول بیشترین فراوانی مدت تداوم رابطه عاطفی با ۶۸ درصد مربوط به گروه بیشتر از سه سال و در گروه دوم بیشترین فراوانی در گروه شش ماه تا سه سال با ۶۱ درصد بود. همچنین، تنها ۱۲ درصد افراد گروه اول سابقه ازدواج قبلی داشتند در حالی که در گروه دوم ۴۳ درصد افراد سابقه ازدواج قبلی داشتند. ویژگی‌های توصیفی مؤلفه‌های مربوط به متغیرهای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در دو گروه مقایسه و در جدول ۱ نشان داده شد.

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های توصیفی متغیرهای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه سبک‌های دلبستگی

گروه‌ها	متغیرها و مولفه‌ها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
گروه ۱	اجتنابی	۵۰	۱/۲۸	۴۵/۲۲۸	۲/۵۲	۰/۶۰
	اضطرابی/دوسوگرا	۵۰	۱/۰۰	۴/۵۷	۲/۴۷	۰/۷۹
	ایمن	۵۰	۱/۱۴	۴/۸۵	۳/۰۲	۰/۶۲
گروه ۲	اجتنابی	۴۱	۱/۸۵	۴/۴۲	۳/۲۳	۰/۶۵
	اضطرابی/دوسوگرا	۴۱	۱/۴۲	۵/۲۸	۳/۲۳	۰/۹۱
	ایمن	۴۱	۲/۱۴	۴/۸۴	۳/۱۴	۰/۵۹
گروه ۱	محرومیت هیجانی	۵۰	۵	۲۵	۱۲/۴۴	۶/۱۶
	رهاشدگی	۵۰	۵	۳۰	۱۲/۶۲	۵/۲۸
	بی‌اعتمادی	۵۰	۵	۲۷	۱۱/۷۶	۴/۸۱
	انزوای اجتماعی	۵۰	۵	۲۵	۱۰/۱۸	۴/۵۳
	نقص و شرم	۵۰	۵	۲۶	۷/۷	۳/۷۳
	شکست	۵۰	۵	۲۳	۹/۸۲	۴/۷۷
	وابستگی	۵۰	۵	۱۹	۸/۵۸	۳/۵۱
	آسیب‌پذیری	۵۰	۵	۲۶	۱۰/۲۸	۵/۳۶
	خود گرفتار	۵۰	۵	۲۱	۹/۲۸	۴/۱۷
	اطاعت	۵۰	۵	۲۲	۹/۵۲	۴/۲۶
	ایثارگری	۵۰	۶	۳۰	۱۷/۶۴	۵/۹۰
	بازداری هیجانی	۵۰	۵	۲۵	۱۰/۷۰	۴/۷۱
	معیارهای سختگیرانه	۵۰	۷	۲۹	۱۸/۰۰	۵/۱۳
	استحقاق	۵۰	۷	۲۹	۱۶/۳۰	۴/۶۹
	خویش‌داری	۵۰	۶	۲۴	۱۳/۷۲	۴/۴۰
	جلب توجه	۵۰	۵	۲۹	۱۵/۱۴	۶/۰۰
	منفی‌گرایی	۵۰	۵	۳۰	۱۲/۶۶	۵/۶۶
تنبیه	۵۰	۵	۲۵	۱۰/۲۴	۵/۲۹	
محرومیت هیجانی	۴۱	۵	۲۸	۱۶/۴۱	۶/۱۹	

خانواده درمانی کاربردی	حبیب زاده و رستم نژاد		۳۲۳ مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی...		
گروه ۲	رهاشدگی	۴۱	۵	۳۱	۱۴/۶۳
	بی‌اعتمادی	۴۱	۶	۲۸	۱۶/۰۷
	انزوای اجتماعی	۴۱	۵	۲۵	۱۲/۹۵
	نقص و شرم	۴۱	۵	۲۸	۱۳/۱۹
	شکست	۴۱	۵	۲۳	۱۲/۲۶
	وابستگی	۴۱	۵	۲۱	۱۱/۱۷
	آسیب‌پذیری	۴۱	۵	۲۸	۱۵/۲۱
	خود گرفتار	۴۱	۵	۲۱	۱۰/۳۱
	اطاعت	۴۱	۵	۲۳	۱۱/۳۴
	ایثارگری	۴۱	۶	۲۸	۱۸/۰۷
	بازداری هیجانی	۴۱	۵	۲۶	۱۴/۰۴
	معیارهای سختگیرانه	۴۱	۱۲	۲۷	۱۹/۱۹
	استحقاق	۴۱	۱۰	۲۸	۱۸/۳۴
	خویش‌نمندی	۴۱	۹	۳۲	۱۷/۳۶
	جلب توجه	۴۱	۶	۳۲	۱۵/۸۵
	منفی‌گرایی	۴۱	۵	۲۹	۱۲/۴۸
	تنبیه	۴۱	۵	۲۲	۱۰/۷۳

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بالاترین میانگین متغیر سبک‌های دلبستگی مربوط به سبک اجتنابی و سبک اضطرابی/دوسوگرا در گروه دوم ($M=3/23$) و کمترین میانگین مربوط به سبک دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا در گروه اول ($M=2/47$) است. بالاترین میانگین متغیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مربوط به مؤلفه معیارهای سخت‌گیرانه در گروه دوم ($M=19/19$) و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه نقص و شرم در گروه اول ($M=7/7$) است.

پرسش پژوهش: آیا بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) تفاوت وجود دارد؟ برای تحلیل فرضیه فوق از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد که قبل از انجام آن، پیش فرض‌های مربوطه یعنی نرمال بودن داده‌ها و همسانی واریانس‌ها توسط آزمون ام‌پاکس و آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه غیرنرمال بودن داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف تایید نشد و با تایید نرمال بودن داده‌ها، استفاده از آزمون پارامتریک بلا مانع است.

جدول ۲. آزمون ام‌پاکس متغیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی

متغیرها	آزمون ام‌پاکس	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	Sig.
سبک‌های دلبستگی	۲/۵۹۷	۰/۴۱۷	۶	۵۱۶۳۳/۴۵۱	۰/۸۶۸
طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	۸۰۰/۳۲۲	۳/۶۶۳	۱۷۱	۲۲۴۳۹/۱۹۴	۰/۲۶۳

جدول ۲ نتایج آزمون ام‌باکس را نشان می‌دهد. این آزمون این فرض صفر را مورد آزمون قرار می‌دهد که ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیرهای وابسته در بین دو گروه با هم برابرند. مشاهده می‌شود که مقدار F آزمون در هر دو متغیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی معنی‌دار نبوده، لذا فرض صفر تأیید می‌گردد و ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده بین دو گروه با هم برابرند.

جدول ۳. آزمون لوین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی

متغیرها	مؤلفه‌ها	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	Sig.
سبک‌های دلبستگی	اجتنابی	۰/۳۷۸	۱	۸۹	۰/۵۴۰
	اضطرابی/دوسوگرا	۱/۸۵۳	۱	۸۹	۰/۱۷۷
طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	ایمن	۰/۰۲۱	۱	۸۹	۰/۸۸۶
	محرومیت هیجانی	۰/۰۵۰	۱	۸۹	۰/۸۲۳
	رهاشستگی	۴/۷۹۸	۱	۸۹	۰/۰۳۱
	بی‌اعتمادی	۷/۱۸۷	۱	۸۹	۰/۲۰۹
	انزوای اجتماعی	۰/۵۹۰	۱	۸۹	۰/۴۴۵
	نقص و شرم	۷/۶۵۸	۱	۸۹	۰/۷۶۳
	شکست	۱/۲۵۷	۱	۸۹	۰/۲۶۵
	وابستگی	۱۱/۶۹۲	۱	۸۹	۰/۵۴۱
	آسیب‌پذیری	۲/۶۶۴	۱	۸۹	۰/۱۰۶
	خود گرفتار	۰/۶۸۰	۱	۸۹	۰/۴۱۲
	اطاعت	۸/۵۲۳	۱	۸۹	۰/۰۰۴
	ایثارگری	۱/۲۷۷	۱	۸۹	۰/۲۶۱
	بازداری هیجانی	۱۰/۶۰۹	۱	۸۹	۰/۲۸۹
	معیارهای سختگیرانه	۴/۳۷۵	۱	۸۹	۰/۹۳۹
استحقاق	۰/۰۶۹	۱	۸۹	۰/۷۹۳	
خویشتن‌داری	۱/۳۶۰	۱	۸۹	۰/۲۴۷	
جلب‌توجه	۰/۲۵۰	۱	۸۹	۰/۶۱۹	
منفی‌گرایی	۲/۹۳۷	۱	۸۹	۰/۰۹۰	
تنبیه	۲/۳۰۶	۱	۸۹	۰/۱۳۲	

جدول ۳، نتایج آزمون لوین جهت سنجش برابری واریانس‌های خطای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در دو گروه را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود نتایج آزمون در تمامی مولفه‌ها رد شده است؛ در نتیجه واریانس خطای دو گروه در مولفه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی برابر می‌باشد. نتایج آزمون‌های فوق حاکی از رعایت پیش فرض‌های لازم برای اجرای آزمون مانوا بوده لذا در ادامه نتایج تحلیل واریانس چند متغیره در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتیجه آزمون تحلیل واریانس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی

متغیر	آزمون	مقدار F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	اندازه اثر Eta
سبک‌های دلبستگی	اثر پیلاپی	۰/۳۹۴	۱۸ / ۱۸۱۸	۳/۰۰۰	۸۷/۰۰۰
	لامبدای ویلکز	۰/۶۰۶	۱۸ / ۱۸۱۸	۳/۰۰۰	۸۷/۰۰۰
	اثر هاتلینگ	۰/۶۴۹	۱۸ / ۱۸۱۸	۳/۰۰۰	۸۷/۰۰۰
	بزرگترین ریشه روی	۰/۶۴۹	۱۸ / ۱۸۱۸	۳/۰۰۰	۸۷/۰۰۰
طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	اثر پیلاپی	۰/۶۵۹	۷/۷۲۶ ^b	۱۸/۰۰۰	۷۲/۰۰۰
	لامبدای ویلکز	۰/۳۴۱	۷/۷۲۶ ^b	۱۸/۰۰۰	۷۲/۰۰۰
	اثر هاتلینگ	۱/۹۳۱	۷/۷۲۶ ^b	۱۸/۰۰۰	۷۲/۰۰۰
	بزرگترین ریشه روی	۱/۹۳۱	۷/۷۲۶ ^b	۱۸/۰۰۰	۷۲/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۴، مقدار F محاسبه شده برای لامبدای ویلکز در سطح ۰/۰۵ معنی دار بوده و نشان می‌دهد بین میانگین‌های گروه‌های مورد مطالعه در حداقل یکی از متغیرها تفاوت معنی داری وجود دارد. به این ترتیب، در پاسخ به سوال پژوهش تایید می‌گردد که بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) تفاوت وجود دارد. در ادامه و در جدول ۵، نتایج آزمون تحلیل واریانس مربوط به متغیرهای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی ارائه می‌گردد.

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس بین مولفه‌های متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	Fنسبت	Sig	مجذور Eta
گروه سبک‌های دلبستگی	اجتنابی	۱۱ / ۳۷۷	۱	۱۱ / ۳۷۷	۰/۰۰۰	۰ / ۲۴۵
	اضطرابی/دوسوگرا	۱۶ / ۲۸۹	۱	۱۶ / ۲۸۹	۰/۰۰۰	۰ / ۲۰۳
	ایمن	۰ / ۳۴۵	۱	۰ / ۳۴۵	۰/۳۳۹	۰ / ۱۰۱۰
گروه طرح‌واره‌ها	محرومیت هیجانی	۳۵۵ / ۸۸۳	۱	۳۵۵ / ۸۸۳	۰/۰۰۳	۰ / ۰۹۵
	رهاشدگی	۹۱ / ۳۸۹	۱	۹۱ / ۳۸۹	۰/۱۱۲	۰ / ۰۲۸
	بی‌اعتمادی	۴۱۹ / ۰۸۹	۱	۴۱۹ / ۰۸۹	۰/۰۰۰	۰ / ۱۳۰
	انزوای اجتماعی	۱۷۳ / ۰۰۳	۱	۱۷۳ / ۰۰۳	۰/۰۰۷	۰ / ۰۸۰
	نقص و شرم	۶۸۰ / ۲۴۸	۱	۶۸۰ / ۲۴۸	۰/۰۰۰	۰ / ۲۵۶
	شکست	۱۳۵ / ۰۳۳	۱	۱۳۵ / ۰۳۳	۰/۰۲۲	۰ / ۰۵۸
	وابستگی	۱۵۱ / ۲۰۲	۱	۱۵۱ / ۲۰۲	۰/۰۰۵	۰ / ۰۸۵
	آسیب‌پذیری	۵۴۹ / ۶۴۳	۱	۵۴۹ / ۶۴۳	۰/۰۰۰	۰ / ۱۵۱
	خود گرفتار	۲۴ / ۲۲۹	۱	۲۴ / ۲۲۹	۰/۲۶۵	۰ / ۰۱۴
	اطاعت	۷۴ / ۷۴۰	۱	۷۴ / ۷۴۰	۰/۰۸۵	۰ / ۰۳۳

۰/۰۰۲	۰/۷۱۱	۰/۱۳۸	۴/۲۲۷	۱	۴/۲۲۷	ایثارگری
۰/۰۸۶	۰/۰۰۵	۸/۳۷۶	۲۵۲/۶۳۱	۱	۲۵۲/۶۳۱	بازداری هیجانی
۰/۰۱۶	۰/۲۲۹	۱/۴۶۵	۳۲/۱۷۶	۱	۳۲/۱۷۶	معیارهای سختگیرانه
۰/۰۴۷	۰/۰۳۹	۴/۳۷۱	۹۳/۸۸۵	۱	۹۳/۸۸۵	استحقاق
۰/۱۲۶	۰/۰۰۱	۱۲/۷۷۸	۲۹۹/۴۴۱	۱	۲۹۹/۴۴۱	خویشترداری
۰/۰۰۳	۰/۵۸۰	۰/۳۰۹	۱۱/۴۷۳	۱	۱۱/۴۷۳	جلب توجه
۰/۰۰۰	۰/۸۹۳	۰/۰۱۸	۰/۶۶۸	۱	۰/۶۶۸	منفی‌گرایی
۰/۰۰۳	۰/۶۲۰	۰/۲۴۷	۵/۴۴۷	۱	۵/۴۴۷	تنبیه

براساس داده‌های جدول ۵، نتایج تحلیل واریانس برای مولفه سبک دلبستگی ایمن نشان می‌دهد تفاوت دو گروه در مولفه فوق در سطح ۰/۰۵ معنی دار نیست.

در مولفه‌های سبک دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا و سبک دلبستگی اجتنابی نشان دهنده بالاتر بودن میانگین این متغیر در گروه زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (به نفع مرد) نسبت به گروه دیگر است. براساس داده‌های جدول ۵، نتایج تحلیل واریانس در مولفه‌های محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی، انزوای اجتماعی، نقص و شرم، شکست، وابستگی، آسیب‌پذیری، بازداری هیجانی، استحقاق و خویشترداری نشان‌دهنده بالاتر بودن میانگین محرومیت هیجانی در گروه زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (به نفع مرد) نسبت به گروه دیگر است. در مولفه‌های رهاشدگی، خود گرفتار، اطاعت، ایثارگری، معیارهای سختگیرانه، جلب توجه، منفی‌گرایی و تنبیه نشان می‌دهد تفاوت دو گروه در این مولفه در سطح ۰/۰۵ معنی دار نیست. بنابراین، با ۹۵٪ اطمینان تایید می‌گردد که بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) تفاوت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) انجام شد؛ یافته‌های این مطالعه نشان داد بین سبک‌های دلبستگی زنان این دو گروه تفاوت وجود دارد. چنانچه از آزمون‌های آماری بر می‌آید سبک‌های دلبستگی ناایمن (اضطرابی/دوسوگرا و اجتنابی) در گروه زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (به نفع مرد)، میانگین بالاتری نسبت به زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر (به نفع مرد) دارد. در تبیین نتایج این پرسش، نخست به مبانی نظری در خصوص سبک‌های دلبستگی استناد می‌کنیم. بالبی معتقد است که هر شخص برای رشد سالم نیاز به رابطه عاطفی دارد. به نظر بالبی رابطه ناایمن منجر به بی‌اعتمادی، مشکل در هماهنگی و حساس بودن و نارضایتی هیجانی در روابط عاشقانه می‌شود. روابط دلبستگی نقش پررنگی در احساس امنیت فرد دارند. برای کودکان، رابطه همراه با دلبستگی ابتدا با والدین و در بزرگسالان با یک زوج برقرار می‌شود. بالبی معتقد است که ماهیت رابطه صمیمی مادر-نوزاد، تعیین‌کننده ماهیت روابط صمیمی یک فرد در سرتاسر زندگی می‌باشد. به نظر می‌رسد در زنان مطالعه حاضر محیط اولیه برای رشد عاطفی مطلوب و کسب امنیت روانی این افراد در

کودکی، نامناسب بوده و آن‌ها با درماندگی و ناکامی در برآورده شدن نیازهایشان آموخته‌اند که راه‌های دیگری را برای کسب امنیت و حمایت عاطفی از خود بیابند. البته جدای از شرایط ناسامان محیط اولیه رشد کودک باید توجه داشت که سبک‌های دلبستگی شکل‌گرفته در دوران کودکی لزوماً با آنچه در دلبستگی‌های عاطفی دوران بزرگسالی نشان داده می‌شود یکسان نیستند. زمان زیادی بین دوران کودکی و بزرگسالی سپری شده و تجربیات به دست آمده در این فاصله زمانی نیز نقش عمده‌ای در سبک‌های دلبستگی دوران بزرگسالی ایفاء می‌کنند. تجارب تلخ دوران زندگی فرد از کودکی تا بزرگسالی، می‌توانند در پدیدآیی سبک‌های دلبستگی ناایمن موثر باشند. تجربه شکست و ناکامی در روابط عاطفی گذشته، محیط ناامن، ناکامی در ارضای نیازهای بنیادین روانی، پاسخگویی نادرست یا دیررس و همراه با غفلت منابع دلبستگی اولیه سبب می‌شود که زنان این گروه در روابطی وارد شوند که زوج بعنوان منبع دلبستگی جایگزین، نقصان‌های عاطفی گذشته را جبران نماید. آن‌ها زوج مسن را جایگزین والدی که آن‌ها را سرشار از توجه، حمایت، مراقبت و امنیت می‌کند در نظر می‌گیرند. به نظر می‌رسد زنان این گروه به نوعی با اشتراک گذاری سرمایه جوانی و زیبایی یا حتی امکان باروری خود، آنچه از حمایت‌های عاطفی و روانی را که نداشته‌اند، از همسر یا شریک عاطفی مسن خود دریافت می‌نمایند. از طرفی زنان جوان تر با وارد شدن در روابط عاطفی با فاصله سنی بالا، به تصور خود احتمال شکست و طردشدن را کاهش می‌دهند و از طرفی با برخوردار شدن از منابع مادی زوج مسن، سعی می‌کنند محیط ایمنی برای خود فراهم آورند. یافته‌های این مطالعه همچنین نشان داد در مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه از جمله محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی، انزوای اجتماعی، نقص و شرم، شکست، وابستگی، آسیب‌پذیری، بازداری هیجانی، استحقاق و خویشنداری در گروه زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (به نفع مرد)، میانگین بالاتری نسبت به زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر (به نفع مرد) وجود داشت. اما بین دو گروه در مؤلفه‌های رهاشدگی، خود گرفتار، اطاعت، ایثارگری، معیارهای سختگیرانه، جلب توجه، منفی‌گرایی و تنبیه تفاوت معناداری وجود نداشت. یانگ معتقد بود طرحواره‌ها و فرآیندهای طرحواره‌ای به سبب تأثیری که بر برداشت ما از خودمان و دیگران دارند بر نگرش‌ها و تصمیم‌گیری‌های ما در زندگی که از جمله مهم‌ترین آن‌ها انتخاب همسر است، موثر واقع می‌شوند. به عقیده یانگ افرادی که طرحواره محرومیت هیجانی دارند معمولاً از برقراری روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند، آن‌ها از نیازهای خود چیزی نمی‌گویند و طرحواره بازداری هیجانی آن‌ها نیز غالباً فعال است؛ همان‌گونه که در بین زنان درگیر در رابطه عاطفی با فاصله سنی ۱۵ سال و بالاتر (با برتری سنی مرد) دیده می‌شود. بیان نکردن نیازها و بازداری از بیان هیجانات، سبب ناامیدی و خشم آن‌ها می‌شود و ممکن است با فرایند طرحواره‌ای جبران افراطی سبب برانگیختگی طرحواره استحقاق و خویشنداری ناکافی (حوزه محدودیت‌های مختل) شود؛ چراکه این افراد ابراز توجه و محبت از سوی دیگران و به خصوص شریک عاطفی را حق مسلم خود می‌دانند. از سویی، برانگیختگی طرحواره‌های محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی و بد رفتاری، نقص و شرم و انزوای اجتماعی که همگی مربوط به حوزه طرحواره‌ای بریدگی و طرد هستند، نشانه‌ای از ناکامی در برآوردن نیازهای بنیادین هیجانی و ناکامی‌های سخت دوران کودکی و بزرگسالی دارد؛ زمانی که کودک از اصلی‌ترین نیاز بنیادین هیجانی خود که همان عشق و محبت، امنیت و احترام و دلبستگی ایمن است، ناکام می‌ماند.

بالاتر بودن میانگین طرحواره‌های وابستگی/بی‌کفایتی، شکست و آسیب‌پذیری نسبت به بیماری و ضرر در گروه دوم که همگی در حوزه دوم طرحواره‌ها (خودگردانی و عملکرد مختل) و ناشی از ناکامی در برآورده شدن نیاز بنیادی هیجانی فرد به کفایت، هویت و استقلال است، نشان‌دهنده آن است که درصد بالایی از افراد این گروه افرادی وابسته‌اند که بدون کمک دیگران نمی‌توانند مسئولیت‌های روزمره خود را به‌انجام برسانند. تجارب ناکام‌کننده، سرزنش‌ها و تحقیرها و ایجاد محدودیت‌های افراطی و یا سهل‌انگاری از سوی والدین باعث شده افرادی با این طرحواره‌ها، وابسته و بی‌کفایت بار بیابند. افرادی با طرحواره شکست خود را شکست‌خورده می‌دانند که شامل شکست در تجربیات گذشته و یا پیش‌بینی شکست در تجارب آینده است. احساس بی‌کفایتی در مراقبت از خود و یا کنترل منطقی عوامل محیطی، فعال‌کننده طرحواره آسیب‌پذیری نسبت به بیماری و ضرر می‌شود که در آن فرد به‌طور افراطی دچار ترس از وقوع حادثه یا بیماری می‌شود. به اعتقاد یانگ، انتخاب شریک زندگی ناسازگار، یکی از معمول‌ترین سازوکارهایی است که از طریق آن طرحواره‌ها تداوم می‌یابند (یانگ، ۲۰۰۳).

فردی که نتوانسته عشق و محبت بنیادین را در محیط خانواده جستجو کند، ممکن است ایجاد رابطه عاطفی و بخصوص ازدواج را راهی برای جبران این ناکامی‌ها بداند. او جویای همسری است که به عواطف و احساسات وی توجه نشان دهد، پاسخگوی نیازهای عاطفی‌اش باشد، همیشه در کنارش بوده، از او حمایت کند، به او متعهد باشد، مسئولیت‌های او را به‌عهده گرفته و نقش والدی دلسوز و متعهد را بازی کند. بدین ترتیب، زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی بالا می‌توانند به آن‌ها تکیه کرده، وابسته بوده و موردتوجه بیش از حد قرار گیرند. این زنان سعی دارند در پناه همسر یا شریک عاطفی مسن خود ایمنی خود را نسبت به ضررهای احتمالی و یا شکست در آینده تضمین نمایند. البته این امنیت و وابستگی تبعاتی نیز برای آنان به دنبال دارد. زنان درگیر در روابط عاطفی با سن بالا، بدلیل احساس امنیت ناشی از تداوم طرحواره، به سمت روابطی سوق داده می‌شوند که طرحواره‌های آن‌ها تایید شود. در روابط با فاصله سنی بالا، زوج مسن تجارب و کفایت و شایستگی‌های زن را دست‌کم می‌گیرد؛ در نتیجه طرحواره‌های نقص و شرم و بی‌کفایتی آن‌ها مستحکم می‌شود. چنین زنانی به‌دلیل ترس از شکست در تجارب گذشته به چنین روابطی وابسته‌تر شده و یا اینکه شکست در چنین رابطه‌ای را از پیش می‌پذیرند. بالابودن میانگین طرحواره‌های شکست، وابستگی و خود تحول‌نیافته در زنان گروه دوم، با نتایج حاصل از پژوهش خسروی و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی دارد که دریافتند طرحواره‌های رهاشدگی، شکست، وابستگی، خود تحول‌نیافته، ایثار و اطاعت، در نگرش به ازدواج موثر بوده‌اند؛ البته در مورد طرحواره‌های رهاشدگی، ایثار و اطاعت در پژوهش حاضر، تفاوت بین دو گروه زنان معنادار نبوده و نمی‌توان سوق‌دهی زنان به روابط عاطفی با تفاوت سنی بالا را به این طرحواره‌ها نسبت داد.

در یک جمع‌بندی کلی، نتیجه این مطالعه نشان داد بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی زنان درگیر در روابط عاطفی با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر و فاصله سنی ۱۵ سال و بیشتر (با برتری سنی مرد) تفاوت وجود دارد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده شد که می‌تواند در تعمیم نتایج، تاثیرگذار باشد. انجام پژوهش‌های مشابه در خصوص روابط با فاصله سنی معکوس یعنی روابطی که در آن زنان از مردان بزرگتر بوده و اختلاف سنی فاحش دارند، توصیه می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود نتایج

این مطالعه مورد توجه زوج درمانگران در استفاده از رویکرد طرحواره‌محور و هیجان‌مدار در تعارضات بین فردی زوجین با فاصله سنی بالا قرار گیرد.

موازن اخلاقی

در این پژوهش کلیه موازن اخلاقی نظیر رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات مشارکت‌کنندگان رعایت شده است. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران می‌باشد. و دارای کد اخلاق IR.IAU.TON.REC.1401.072 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن می‌باشد.

سپاسگزاری

نویسندگان پژوهش حاضر از کلیه کسانی که آنان را در انجام این پژوهش یاری رساندند کمال سپاس و تشکر دارند.

مشارکت نویسندگان

در تدوین این مقاله همه نویسندگان در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها و نهایی سازی نقش داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- پورمحسنی کلوری، فرشته (۱۳۹۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق ورزی دانشجویان. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۶ (۱۰): ۳۱-۱۷.
- تاج، فاطمه؛ پورابراهیم، تقی؛ صادقی، منصوره سادات؛ خوش‌کنش، ابوالقاسم (۱۳۹۲). رابطه سبک‌های دلبستگی و خودشکوفایی در شاغلین روان‌درمانگر شهر تهران. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۵ (۱۶): ۲۸-۴۵.
- خسروی، زهره؛ سیف، سوسن و عالی، شهربانو (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی بین نوع فرایند طرحواره‌ای و نگرش به ازدواج. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۱۱ (۴): ۳۱-۴۰.
- رازقی، نرگس؛ مظاهری، محمدعلی و احدی، حسن. (۱۳۹۴). نقش سبک‌های دلبستگی در ارجحیت ملاک‌های انتخاب همسر. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۱۱ (۴۴): ۴۰۵-۴۱۵.
- صیادپور، زهره (۱۳۸۱). ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج در دانشجویان. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۲ (۲): ۶۰-۷۴.

محمودیان، حسین و راهرو زرگر، فیروز (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر فاصله سنی زوجین در استان اردبیل. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۳(۵۰): ۱۸۴-۱۵۳.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

مومن‌زاده، فرید؛ مظاهری، محمدعلی و حیدری، محمود (۱۳۸۱). ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱(۴): ۳۶۹-۳۷۸.

نازحیدری، فرح و افشاری‌نیا، کریم (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تیپ شخصیتی و پیش بینی انتظار از ازدواج. *نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۲۶: ۱۷۵-۱۶۱.

ولدخانی، مریم؛ محمودپور، عبدالباسط؛ فرح بخش، کیومرث و سلیمی بجستانی، حسین (۱۳۹۵). تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی شهر تهران. *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۷(۲۵): ۱۸۹-۱۷۳.

یانگ، جفری؛ کلوסקو، ژانت؛ ویشار، مارجوری (۲۰۰۶). طرح‌واره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی). ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۴۰۱). تهران: ارجمند.

یوسفی، ناصر؛ اعتمادی، عذرا؛ احمدی، سیداحمد؛ فاتحی زاده، مریم السادات و بهرامی، فاطمه (۱۳۸۷). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی بعنوان پیش‌بینی کننده طلاق. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۶(۱): ۳۳-۲۱.

References

- Allendorf, K., & Ghimire, D. J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social science research*, 42(1), 59-70. (In Persian)
- Baldwin, M. W., & Fehr, B. (1995). On the instability of attachment style ratings. *Personal Relationships*, 2(3), 247-261. (In Persian)
- Carnelley, K. B., & Boag, E. M. (2019). Attachment and prejudice. *Current opinion in psychology*, 25, 110-114. (In Persian)
- Casterline, J. B., Williams, L., & McDonald, P. (1986). The age difference between spouses: Variations among developing countries. *Population studies*, 40(3), 353-374. (In Persian)
- Farias, O. D. O., Alexandre, H. D. O., Lima, I. C. V. D., Galvão, M. T. G., Hanley-Dafoe, R., & Santos, V. D. F. (2020). Attachment styles of People Living with HIV/AIDS. *Ciência & Saúde Coletiva*, 25, 495-504. (In Persian)
- Feeney, J. A. (2005). Hurt feelings in couple relationships: Exploring the role of attachment and perceptions of personal injury. *Personal relationships*, 12(2), 253-271. (In Persian)
- Folwarczny, M., & Otterbring, T. (2021). Secure and sustainable but not as prominent among the ambivalent: Attachment style and proenvironmental consumption. *Personality and Individual Differences*, 183, 111154. (In Persian)
- Goldman, M. B., & Hatch, M. C. (Eds.). (2000). *Women and health*. Gulf Professional Publishing. (In Persian)
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(3), 511. (In Persian)

- Janovsky, T., Rock, A. J., Thorsteinsson, E. B., Clark, G. I., & Murray, C. V. (2020). The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 27(3), 408-447. (In Persian)
- Khosravi, Z., Seif, S., & Aali, S. (2008). Investigating the Relationship Between the Type of Structured Thinking Process and Attitude Towards Marriage. *Journal of Research in Psychological Health*, 1(4), 31-40. (In Persian)
- Lehmiller, J. J., & Christopher, R. A. (2008). Commitment in age-gap heterosexual romantic relationships: A test of evolutionary and socio-cultural predictions. *Psychology of Women Quarterly*, 32(1), 74-82. (In Persian)
- Mahmoudian, H., & Rahvar Zargar, F. (2010). Social and Demographic Factors Affecting the Age Difference Between Spouses in Ardabil Province. *Strategic Studies of Women*, 13(50), 153-184. (In Persian)
- Momenzadeh, F., Mazaheri, M. A., & Heydari, M. (2002). The Relationship Between Irrational Beliefs and Attachment Patterns with Marital Adjustment. *Family Research Journal*, 1(4), 369-378. (In Persian)
- Nazh-Heydari, F., & Afsharinyeh, K. (2016). Investigating the Relationship Between Early Maladaptive Schemas and Personality Types and Predicting Expectations of Marriage. *New Research in Humanities*, 26, 161-175. (In Persian)
- Pourmohseni Kolouri, F. (2016). Gender Differences in Attachment Styles and Personality Traits in Predicting Love Styles of Students. *Psychological Studies and Behaviors*, 6(10), 17-31. (In Persian)
- Razeghi, N., Mazaheri, M. A., & Ahadi, H. (2015). The Role of Attachment Styles in Mate Selection Criteria. *Iranian Journal of Developmental Psychology (Iranian Psychologists)*, 11(44), 405-415. (In Persian)
- Santona, A., De Cesare, P., Tognasso, G., De Franceschi, M., & Sciandra, A. (2019). The mediating role of romantic attachment in the relationship between attachment to parents and aggression. *Frontiers in psychology*, 10, 1824. (In Persian)
- Sayadpour, Z. (2002). Successful Marriage: A Study of Marital Satisfaction in Students. *Iranian Psychologists*, 2(2), 60-74. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2011). General Census of Population and Housing. (In Persian)
- Taj, F., Pourabraham, T., Sadeghi, M. S., & Khoshkonesh, A. (2013). The Relationship Between Attachment Styles and Self-esteem in Psychotherapists in Tehran. *Journal of Occupational and Organizational Counseling*, 5(16), 28-45. (In Persian)
- United Nations. Dept. of Economic and Social Affairs. Population Division. (2011). *World Marriage Patterns, 2000*. United Nations, Population Division, Department of Economic and Social Affairs. (In Persian)
- Voldkhani, M., Mahmoudpour, A. B., Farahbakhsh, K., & Salimi Bojestani, H. (2016). The Impact of Marriage Age, Spouse Selection Patterns, and Age Differences in the Quality of Marital Life in Tehran. *Clinical Psychology Studies*, 7(25), 173-189. (In Persian)
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. Translated by Hassan Hamidpour and Zahra Andooz (2022). Tehran: Arjomand. (In Persian)

- Yousefi, N., Etemadi, A., Ahmadi, S. A., Fatehi Zadeh, M. A., & Bahrami, F. (2009). A Comparison of Early Maladaptive Schemas in Divorced and Non-Divorced Women as Predictors of Divorce. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 16(1), 21-33. (In Persian)



Comparison of primary maladaptive schemas and attachment styles of women involved in emotional relationships with an age gap of 10 years or less and an age gap of 15 years or more (with male age advantage)

Kimia. Habibzadeh¹ & Maryam. Rostam Nezhad^{2*}

Abstract

Aim: The current study aimed to compare early maladaptive schemas and attachment styles in women involved in romantic relationships with an age difference of 10 years or less and an age difference of 15 years or more (with the man being older). **Method:** This study was causal-comparative in nature; the statistical population comprised 91 individuals, with 50 women involved in romantic relationships with an age difference of 10 years or less (Group One) and 41 women in relationships with an age difference of 15 years or more (Group Two). Participants were selected through convenient and snowball sampling methods and responded to the Hazan and Shaver Attachment Styles Questionnaire (1987) and Young's 90-item Schema Questionnaire (1990). Data were analyzed using multivariate analysis of variance (MANOVA) with SPSS software. **Results:** The findings indicated significant differences between the two groups in the anxious/ambivalent attachment style and avoidant attachment style components ($P < 0.01$). There were significant differences between the two groups in the components of emotional deprivation, mistrust, social isolation, defectiveness/shame, failure, dependence, vulnerability, emotional inhibition, entitlement/grandiosity, and self-sacrifice ($P < 0.05$). However, there were no significant differences between the groups in the secure attachment style and components of abandonment, self-sacrifice, compliance, unrelenting standards, attention seeking, pessimism, and punishment ($P > 0.05$). **Conclusion:** The results of this study indicated that there are differences between early maladaptive schemas and attachment styles in women involved in romantic relationships with a minor and a greater age difference (with the man being older). The findings underscore the importance of schema-focused and emotion-focused approaches in resolving interpersonal conflicts in couples with significant age differences.

Keywords: Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas, Romantic Relationship, Age Superiority.

1. M.A. Clinical Psychology, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

2. *Corresponding author: PhD in Health Psychology, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

Email: rhealthpsycho@gmail.com